

## چرا ترجمه می‌کنیم؟

● کتاب راهنمای ارزشیابی زبان

● نوشته اندرو هریسن

● ترجمه دکتر اسماعیل فقیه

### ۱- مقدمه

کتاب *A language Testing Handbook* نوشته اندرو هریسن<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۳ میلادی در قطع جیبی و در ۱۴۴ صفحه منتشر شده است. کتاب در نه فصل به زبانی ساده نوشته شده تا معلمان زبان انگلیسی را با شیوه آزمون سازی در سطح بسیار مقدماتی آشنا کند. این کتاب به ترجمه دکتر اسماعیل فقیه و تحت عنوان کتاب *راهنمای ارزشیابی زبان* در سال ۱۳۷۳ در ۱۷۸ صفحه به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup> مترجم فهرست موضوعی کتاب را حذف کرده. اما یک پیشگفتار در ۳/۳ صفحه و دو واژه نامه فارسی- انگلیسی و انگلیسی- فارسی در ۱۴ صفحه به ترجمه افزوده است. کتاب توسط دانشگاه الزهراء در قطع رقعی و با کاغذ ۷۰ گرمی به چاپ رسیده و قیمت پشت جلد آن ۳۰۰۰ ریال می‌باشد. در برگردان کتاب اشکالات عدیده‌ای به چشم می‌خورد که در زیر به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

### ۲- چرا ترجمه می‌کنیم؟

در کتب اصول و مبانی ترجمه اشاره‌ای به اینکه چرا ترجمه می‌کنیم نشده است. اما پاسخ نگارنده به این پرسش نانوشته که تصور می‌شود عموم مترجمان بر آن اتفاق نظر داشته باشند این است که ترجمه می‌کنیم چون خواننده زبان متن اصلی را نمی‌داند و یا با آن زبان آشنایی کافی ندارد. متن انگلیسی کتاب حاضر مشتمل بر ۳۵۶۹۲ کلمه است که مترجم ۶۴۳۱ کلمه و پنج صفحه جدول آن را عیناً و بدون برگرداندن به فارسی در ترجمه آورده است. به عبارت دیگر مترجم ۱۸٪ متن را ترجمه نکرده در حالی که این مطالب حاوی مثالهای فراوان است و وجود آنها برای خواننده بسیار ضروری است. پس اگر به این خاطر ترجمه می‌کنیم که خواننده با زبان اصلی کتاب آشنایی (کافی) ندارد در این صورت تکلیف ۱۸٪ ترجمه نشده چیست؟ اگر معلومات انگلیسی خواننده در حدی است که ۱۸٪ ترجمه نشده را می‌فهمد، پس ترجمه ۸۲٪ بقیه هم ضرورت ندارد.

به نظر می‌رسد که مترجم برداشت مشخصی از خوانندگان متن کتاب ندارد چرا که از طرفی بخشی از کتاب را ترجمه نکرده و تصور کرده است که خواننده معلومات انگلیسی لازم برای فهم آن را دارد و از طرف دیگر تعداد زیادی واژه ساده و ابتدایی را در واژه‌نامه گنج‌نایده است. در واژه‌نامه‌ای که اصطلاحاتی از قبیل *attainment* و *validity* و *reliability* و *diagnostic* آورده شده و عموماً فنی و تخصصی است واژه‌های غیر تخصصی زیر که معادل آنها در فرهنگ‌نامه‌های عمومی یافت می‌شود جایی ندارد:

واژه فارسی	واژه انگلیسی	واژه فارسی	واژه انگلیسی	واژه فارسی	واژه انگلیسی
مقایسه	comparison	واژگان نامه	thesarus	انتقال	transfer
استتسیل	stencil	نامه	letter	جابه‌جا کردن	transportation
لاتین	Roman	صحبت	talk	لیتوگرافی	lithography
استنباط	inference	راهنمایی نمودن	give advice	اورینگامی	origami
گفتگو	dialogue	توالی	sequence	دقیق	exact

### ۳- عنوان کتاب

در برگردان عنوان کتاب لغزشی جدی صورت گرفته است. یکی از معانی واژه handbook عبارت است از "کتابی کوچک و مختصر برای راهنمایی..." و این معنا بخوبی از محتوا و اندازه کتاب اصلی هویداست. لذا، عبارت "کتاب راهنما" در روی جلد کتاب ترجمه شده بسیار اغراق آمیز است. با این عنوان، خواننده انتظار دارد که کتاب از هر جهت جامع باشد و بتواند پاسخ بیشتر سؤالاتش را در زمینه مورد بحث بدهد. این انتظار از این کتاب برآورده نمی‌شود زیرا نویسنده کتاب در مقدمه بصراحت می‌گوید:

هدف ما در کتاب حاضر ارائه بررسی کاملی از همه انواع آزمونهای زبان نیست... قصد ما آن است که همراه عرضه اطلاعات سودمند به معلمان و زبان آموزان درباره موفقیت و عدم موفقیت ایشان، رهنمودهایی برای تهیه آزمونها ارائه کنیم.<sup>۳</sup>

به علاوه، عنوان ترجمه شده نادرست نیز هست. موضوع کتاب در زمینه آزمون سازی (آزمون شناسی) زبان است نه ارزشیابی، ارزشیابی فرایندی است که ضمن آن بر اساس اطلاعات حاصله از منابع مختلف تصمیم گیری صورت می‌گیرد و حکمی صادر می‌شود حال آنکه آزمون سازی وسیله‌ای است برای ارزشیابی.

### ۴- تاریخ انتشار کتاب

کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۳ میلادی منتشر شده و در سالهای ۱۹۸۶، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ بدون هیچ گونه تغییر تجدید چاپ شده است. مترجم تاریخ چاپ مجدد را با سال انتشار برابر گرفته و تاریخ انتشار را در شناسنامه کتاب سال ۱۹۸۹ ذکر کرده است. این اشتباه می‌تواند برای خواننده گمراه کننده باشد زیرا فکر می‌کند با کتاب جدیدی روبرو است در حالی که واقعیت چنین نیست.

### ۵- معادلهای غیر متداول/ نادرست

برای اکثر واژه‌های تخصصی آزمون شناسی معادلهای مصطلحی در فارسی موجود است و مترجمان و متخصصان در به کارگیری آنها اتفاق نظر دارند. در ترجمه حاضر، مترجم توجهی به معادلهای مصطلح نکرده و در مواردی درگزینش معادل جدید دچار لغزشهایی شده است. مثلاً، انتخاب تعبیر بندش در مقابل cloze که یک نوع آزمون تکمیل متن است اشتباه است. هیچ یک از معانی بندش در لغت نامه دهخدا با cloze همخوانی ندارد. فهرست زیر چند مثال دیگر از این معادلهای نادرست را نشان می‌دهد:

معادل ترجمه‌ای	اصطلاح متداول در فارسی	واژه انگلیسی
ارزشیابی	آزمودن	testing
آزمون پایانی	ارزشیابی مجموعی	summative evaluation
ساختاری	ساختار	structured
خط نشان	چوب خط	tally
سؤال - پرسش	ماده - پرسش	item
ارزیابی	اندازه‌گیری	measurement

### ۶- عدم انس کافی مترجم با زبان فارسی

تسلط مترجم بر زبان مادری مهم‌تر از دانش زبان خارجی و آشنایی با موضوع مورد ترجمه است. یک اشکال عمده در ترجمه حاضر عدم تسلط کافی مترجم به زبان مادری یعنی زبان فارسی است. این عدم انس را می‌توان از چند جهت در ترجمه بخوبی ملاحظه کرد. اولاً، در تقسیم‌بندی قسمتهای مختلف کتاب مترجم توجهی به سبک نگارش فارسی نکرده و تنها شماره‌ها را عیناً به فارسی تبدیل کرده است. لذا، به عوض آنکه قسمت یکم از فصل چهارم را با ۴.۱ نشان دهد آن را مانند انگلیسی به صورت ۴-۱ نشان داده. این کار در سرتاسر کتاب تکرار شده است. ثانیاً، املای پاره‌ای از لغات نادرست است. مثلاً، نمره‌گذاری به صورت نمره‌گذاری آمده است. \* بدیهی است که مقصود از املای نادرست اغلاط چاپی مانند thesarus (صفحه ۷۴) به جای thesaurus نیست. ثانیاً، ترجمه کتاب از نظر نگارش از جهات مختلف نارساست. به عنوان نمونه به چند قطعه ترجمه شده، و متن انگلیسی آنها توجه کنید.

#### مثال ۱:

در مورد آزمونهای پیشرفت، تصمیمهای منوط به نمره‌گذاری منوط به نتیجه مقایسه توزیع آزمون فعلی با جلسه‌های پیشین برگزاری آزمون، و همچنین محل‌های طبیعی انقطاع در توزیع خواهد بود (ص ۱۶۵).

Grading decisions for achievement tests depend on the standards to be set, how the distribution compares with that of previous sittings of the test, and also where the natural brakes in the distribution occur (p.132).

در ترجمه قطعه فوق رعایت تقدم و تأخر اطلاعات کهنه (given) و نو (new) موجود در متن اصلی نشده است.

#### مثال ۲:

منظور از روایی آزمون دامنه یا حد سنجش نکته‌ای است که هدف آزمودن سنجش آن بوده است. (ص

(۱۲)

The validity of a test is the extent to which the test measures what it is intended to measure (p.11).

در مثال فوق معنی عبارت *دامنه* یا *حد سنجش* روشن نیست.

#### مثال ۳:

در فصل اول یادآوری شد که محتوای آزمون پایه‌گزینی... (ص ۲۷).

\* برخلاف نظر نویسنده مقاله نمره‌گذاری نادرست و نمره‌گذاری درست است. ویراستار

It was argued in Chapter 1 that the contents of a placement test... (p.24).

تعبیرات یادآوری و argued با هم برابر نیستند و لذا برگردان فارسی منظور نویسنده کتاب را نمی‌رساند.

مثال ۴:

دو نوع سنجش وجود دارد که می‌تواند ساختاری از این دست را فراهم آورد: موقتاً آنها را ارزشیابی "معرف" و "هدفمند" خواهیم خواند: اولی منعکس‌کننده عامل یادگیری و دومی به قصد تقلید از یک گفتگوی واقعی صورت خواهد گرفت (ص ۱۱۵).

There are two kinds of assessment which will set up a structure of this kind: for present purposes they will be called "representative" testing, which reflects learning practice, and "pruposive" testing, which sets a task in imitation of a real exchange (p.92).

واژه‌های سنجش، می‌تواند، ساختاری، موقتاً، ارزشیابی، و خواهد گرفت همگی معادلهای نادرستند. به این علت متن ترجمه شده نظر نویسنده را نمی‌رساند. نویسنده به زبان ساده می‌گوید:

این نظام مبتنی بر دو نوع سنجش می‌باشد که در این جا آنها را آزمون معرف و آزمون هدفمند می‌نامیم چراکه اولی به عمل یادگیری و دیگری به تکالیفی شبیه واقعیت عنایت دارند.

مثال ۵:

پایایی آزمون بر مبنای میزان دقیق یکسانی نتایج در موقعیتهای مختلف با گروههای مشابه زبان آموزان یا سنجش رشته‌ای از پاسخها توسط نمره گذاران مختلف، داوری می‌شود... (ص ۱۵۰).

The reliability of the test is judged by how exactly the same results can be arrived at on different occasions with similar groups of students or from assessment of the same answers by different markers... (p.119).

اولاً، معادلهای سنجش و رشته نادرست است، ثانیاً، منظور نویسنده در بخشی از مطلب بالا " ... با گروههای مشابه یا از طریق سنجش همان پاسخها توسط مصححین مختلف" می‌باشد. پس ترجمه با نظر نویسنده اصلی مغایرت دارد.

برای تخمین تمیز یا افتراق هر سؤال، مجموع نمرات زبان آموزان در آزمون را به عنوان ملاکی به کار می‌گیریم که کارآیی سؤالات را باید با آن سنجید (ص ۱۶).

To estimate the discrimination of an item, the total scores of the students on the test are used as a yardstick against which to judge the efficiency of the items. (p.128).

معادل مصطلح discrimination تمیز می‌باشد و نه افتراق. به علاوه، مفهوم ترجمه فارسی با اصل انگلیسی برابری ندارد. منظور نویسنده به شرح زیر است:

به منظور برآورد میزان تمیز ماده‌ها، جمع کل نمرات آزمودنیها در آزمون به عنوان ملاک به کار برده می‌شود و کارآیی ماده‌ها با آن محک زده می‌شود.

## ۷- خلاصه و نتیجه‌گیری

گرچه تا کنون در کتب "اصول و مبانی ترجمه" به اینکه چرا ترجمه می‌کنیم اشاره‌ای نشده، به نظر می‌رسد همه کسانی که به ترجمه کتاب یا مقاله همت می‌گذارند به‌طور کلی بر این باورند که خواننده نمی‌تواند متن را به زبان اصلی بخواند و یا با زبانی که متن اصلی نوشته شده است آشنایی کافی ندارد. درباره برگردان کتاب راهنمای ارزشیابی زبان گفته شد که مترجم فقط ۸۲٪ مطالب کتاب را ترجمه کرده است و بقیه ۱۸٪ آن که بیشتر حاوی

امثال است و درک آنها لازمه فهم سایر مطالب می باشد ترجمه نشده و عیناً در متن آمده است. ترجمه عنوان کتاب اغراق آمیز و نادرست است و واژگان ضمیمه که باید شامل لغات فنی و تخصصی باشد حاوی بسیاری از واژگان پایه و ساده است که در فرهنگنامه های عمومی نیز یافت می شود. فهرست موضوعی کتاب حذف شده و برخی معادلهای پیشنهادی مترجم نادرست و برخی غیر متداول است. همچنین با ذکر چند مثال نشان داده شد که متن ترجمه شده به علت آشنا نبودن مترجم با زبان مبدأ و مقصد و احتمالاً عدم انس لازم با موضوع مورد توجه نارساست. به طور کلی می توان گفت که به علت ضعفهای فوق فهم این ترجمه برای خواننده ناآشنا به زبان انگلیسی بسیار مشکل است و اگر خواننده به زبان انگلیسی آشنا باشد بهتر است کتاب را به زبان اصلی مطالعه کند.

دکتر عبدالجواد جعفرپور

### منابع و یادداشتها

1. Harrison, Andrew (1983). *A Language Testing Handbook*. London: Macmillan Publishers Ltd.

۲. فقیه، اسماعیل (مترجم). ۱۳۷۳. کتاب راهنمای ارزشیابی زبان. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

۳. همان، ص ۲.

\* \* \*

## برگردان سرگردان

● دنیای ناشناخته روح

● ترجمه زهرا آرش آزاد

● نشر حدیث، چاپ اول، ۱۳۷۴

هر گاه که حالی باشد و مجالی، کتابهای نوشته یا پارسی کرده در زمینه فراروانشناسی را می خوانم. چندی پیش کتابی ترجمه شده در این زمینه را خواندم، با نام **دنیای ناشناخته روح**. برگردان پارسی این کتاب نیک مایه شگفتی و دریغ من شد. خامی و بی اندامی ترجمه کتاب آنچنان بود که گویی ترجمان تنها واژه های پارسی را به جای واژه های انگلیسی نشانیده است، بی آنکه به ساختارها و هنجارهای گونه گون زبان پارسی بنگرد؛ و بکوشد که آنها را در برگردان خویش به کار بگیرد! آری! گویا متن کتاب انبانی از واژگان انگلیسی بوده است که ترجمان آنرا از این واژگان تهی کرده است؛ و آشفته و درهم و بی سامان، واژگان پارسی را به جای آن در انبان ریخته است. بی هیچ گمان، شادی انگیز و نویدگر و امید آفرین است که ترجمانانی نوآمده و **نوخامه** گام در پهنه ترجمه بنهند؛ و به آزمونهایی در این کار نازک و دشوار که به گفته خواجه شیراز هزار نکته باریکتر از موی در آن نهفته است، دست بیازند؛ و روزگاری، به هر روی، کار ترجمانی را بیاغازند. اما، از سویی دیگر، نمی توان رواداشت که هر متن خام و بی اندامی در ترجمه، با این بهانه و دستاویز که ترجمان آن **نوخامه** و تازه کار است، به چاپ برسد و در دسترس خوانندگان نهاده آید؛ خوانندگانی که بسیاری از آنان بی گمان زبانندان و سخن سنج نیستند و خطر آن هست که از زبان کژمژ و آشفته و بیمارگونه ترجمه اثر پذیرند و به بیراهه در افتند. به هر روی، در کار ترجمانی نیز، می باید از بدآموزی پرهیز کرد؛ و از به دست دادن نمونه های ناساز و بی آیین در زبان دوری جست.

بهترین شیوه در پیوند این دو سوی ناساز بایکدیگر: ترجمان **نوخامه** و خام بامتن **سخته** پخته آن است که این **نوخامگان**، پیش از آنکه متن پارسی کرده خود را به چاپ برسانند، آنرا به ویراستاری ورزیده و کهن **خامه** بسپارند؛ تا به دور از خامی و بی اندامی به چاپ برسد. بدین سان، هم ترجمانانی نوآمده و تازه نفس گام در میدان